

اطلاعیه مطبوعاتی شماره ۴-
 نمایندگی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در اروپا
 پیرامون فاجعه کشتار همگانی زندانیان سیاسی در ایران
 در صفحه ۷



به ضمیمه:
 فهرست اسامی ۴۳۹ تن
 از قربانیان کشتار جمعی زندانیان سیاسی
 در صفحات ۱۰، ۹، ۸، ۷

جلوه‌هایی از حرکت‌های افشاگرانه در کشورهای مختلف:

ای جلاد ننگت باد! ای جلاد مرگت باد!



در هفته‌های اخیر در برابر سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی در کشورهای مختلف فریاد زندانی سیاسی آزاد باید گردد و مرگ بر رژیم جنایتکار خمینی طنین افکن شد. عکس سمت چپ تظاهرات کمونیست‌های هندی در برابر سفارتخانه رژیم در دهلی نو و عکس زیر تظاهرات در برابر سفارتخانه رژیم در پاریس به دعوت خانواده‌های زندانیان سیاسی را نشان می‌دهد. در کشورهای مختلف، در مکانهای مختلف و به شکل‌های مختلف چنین حرکتی برگزار شد و همچنان می‌شود. جمهوری اسلامی رسواست و بسی باید بیشتر رسوا شود. همچنانکه بارها تاکید کرده‌ایم همه باید تلاش ورزیم دامنه افشاگری‌ها را بعد فاجعه قتل‌هایم زندانیان سیاسی در ایران همخوان شود. فاجعه آنقدر عظیم است که هر چه بگوئیم باز تنها جلوه‌های اندکی از آن را می‌توانیم در افکار عمومی جهانیان بازتاب دهیم. افشاگری‌ها باید مداوم باشند. هر روز اسامی تازه‌ای بر فهرست تهیه شده از نام‌های اعدام شدگان افزوده می‌شود و بر ماست که برای هر روز تدارک ویژه‌ای داشته باشیم. پیگیری، پیگیری، پیگیری. برای این که تلاشی‌های هفته‌های اخیر ثمر شایسته‌ای داشته باشند، باید

برای سخن گفتن با افکار عمومی از دست ندهیم. در این شماره "اکثریت" نیز جلوه‌های دیگری از حرکت‌های افشاگرانه در کشورهای مختلف از نظر خوانندگان می‌گذرد. هر کدام از این حرکتها و دیگر تلاشی‌هایی که در سرتاسر جهان صورت می‌گیرد، انعکاس فریاد زندانیان سیاسی در برابر جوخه‌های اعدام است. این فریادها را به رساترین شکل ممکن بازتاب دهیم. تمام جهانیان باید که این فریادها را شنیده و رو به خمینی صلا دهند:

ای جلاد ننگت باد! ای جلاد مرگت باد!

در صفحات ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹

شروع پیشانی پر سبک خارا
 شعری از مانی
 در صفحه ۶

آنها را تداوم بخشیم. باید امکانات مختلف را برای افشاگری شناسائی کرده و هیچ امکانی را



جاودان باد خاطره شهیدان به خون خفته خلق!

جلوه‌هایی از حرکت‌های افشاگرانه در کشورهای مختلف:

ای جلاد ننگت باد! ای جلاد مرگت باد!

فرانسه — سکوت را بشکنید

تظاهرات در برابر سفارت رژیم

ننگت باد! زندانی سیاسی آزاد باید گردد!
در جریان این تظاهرات اسامی همدای از اعدام شدگان اخیر از سوی "کمیته همبستگی با زندانیان سیاسی ایران" قرائت شد که تأثیر عمیق حضار را برانگیخت.

در ساعت ۷ بعد از ظهر روز ۳۰ نوامبر بیش از دویست تن از ایرانیان آزادیخواه و خانواده‌های شهدای اخیر در برابر سفارت جمهوری اسلامی در پاریس دست به تظاهرات زدند. تظاهرکنندگان پرشور و پر خروش فریاد می‌زدند: مرگ بر خمینی جلاد! ای جلاد

تظاهرات در مقابل رادیو فرانسه

زندانیان سیاسی در ایران ابراز همبستگی کنید! "مرگ بر خمینی جلاد!"

از سوی تظاهرکنندگان، یک هیأت با مقامات رادیو فرانسه به مذاکره پرداخت. هیأت مذکور ضمن ارائه اسناد و مدارک واسامی اعدام شدگان، از مسئولین رادیو خواستند که سکوت خود را در قبال اعدام زندانیان سیاسی در ایران بشکنند.

روز شنبه دوم دسامبر ساعت ۱۱ صبح، به ابتکار "کمیته همبستگی با زندانیان سیاسی ایران" تظاهراتی با شرکت بیش از یکصد و پنجاه نفر در مقابل اداره رادیو فرانسه ترتیب داده شد. تظاهرکنندگان در حالی که پلاکاردهای مختلفی را در دست داشتند، خطاب به مردم فرانسه و رسانه‌های گروهی فرانسوی فریاد می‌زدند: "سکوت را بشکنید، ما در ایران کشته می‌شویم"، "با



پاریس: در برابر کاخی که در آن در مورد "حقوق بشر" سخنرانی‌های بلندبالایی ایراد می‌شد، پلیس تظاهرکنندگان ایرانی را که در میان آنها تعداد کثیری بر اثر کشتارهای جمعی اخیر داغدار بودند، این گونه دستگیر کرده و به زندان انتقال می‌داد.

مادر ایران کشته می‌شویم!

کننده در مراسم سالگرد صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر، شاهد حمله پلیس به تظاهرکنندگان بودند.

تظاهرات ده دسامبر و عکس‌العمل پلیس فرانسه، بازتاب وسیعی در رسانه‌های گروهی فرانسه یافت. روزنامه اومانیته ارگان حزب کمونیست فرانسه، در شماره ۱۲ دسامبر خود در طی مقاله افشاگرانه‌ای با عنوان "پلیس فرانسه، کمک کار خمینی" رفتار پلیس در قبال تظاهرکنندگان و سکوت مقاماتی را که حقوق بشر برایشان صرفاً شرکت در یک جشن با شکوه است، محکوم کرد. اومانیته در این مقاله نوشت: سکوت را بشکنید، در ایران قتل‌عام می‌کنند، شنبه شب در میدان تروکادروی پاریس تظاهرکنندگان ایرانی این شعار را خطاب به وسایل ارتباط جمعی که جهت بازتاب دادن مراسم رسمی برگزار شده از سوی ریاست‌جمهور فرانسه در محل حضور داشتند، فریاد می‌زدند. آنها امیدوار بودند تا بدین وسیله توجه شرکت‌کنندگان را به هزاران اعدامی که طی روزهای اخیر در زندانهای ایران صورت گرفته است جلب کنند.

در داخل قصر شایو و در مقابل شخصیت‌های "مشهور" (آنهايي که فقط کافی است تا انگشت بچرخانند تا با آنها مصاحبه صورت گیرد) رئیس‌جمهور جمله‌ای را ادا کرد که یک ساده لوح می‌توانست تصور نماید ایشان به فراخوان پناهندگان ایرانی هم توجه نشان داده‌اند! وی گفت: سرکوب از سکوت تفذیه می‌کند، در همان هنگامی که رئیس‌جمهور چنین می‌گفت پلیس و سرویس امنیتی باباتوم به تظاهرکنندگان حمله ور شدند. یک مرد بی‌هوش شد، زنی بر روی زمین کشیده شد و یک زن حامله بر اثر استنشاق گاز اشک‌آور دچار تهوع گردید. ...»

در روز دهم دسامبر به مناسبت چهلمین سالگرد انتشار اعلامیه جهانی حقوق بشر در "پاله دوشایو"ی پاریس مراسمی برگزار شده بود که در آن شخصیت‌هایی چون دبیر کل سازمان ملل متحد، رئیس‌جمهور فرانسه، آندره ساخاروف و لخوالسا حضور داشتند. همزمان با این مراسم، در ساعت ۶ بعد از ظهر شمار زیادی از ایرانیان در مقابل ساختمان "پاله دوشایو" تجمع نمودند، ولی پلیس مانع از تظاهرات آنان شد. در ساعت ۷ هنگام خروج میهمانان از مراسم، ایرانیان حاضر در محل که می‌خواستند خبر قتل‌عام زندانیان سیاسی در ایران را به گوش شرکت‌کنندگان در این مراسم برسانند، پلاکاردها را باز کرده و شروع به دادن شعار کردند. پلیس در ابتدا نتوانست مانع افشاکاری آنان بشود. شعارها به زبان فرانسه و از این قرار بودند:

"حقوق بشر در ایران پایمال می‌شود،

سکوت را بشکنید، ما در ایران کشته می‌شویم،

زندانی سیاسی آزاد باید گردد، حقوق بشر باید در ایران رعایت شود،

مرگ بر خمینی جلاد!

یک ربع بعد صدها پلیس مسلح به گاز اشک‌آور و باتوم و سپر به تظاهرکنندگان حمله کردند و ضمن ضرب و شتم آنان پلاکاردهایشان را پاره کرده و تا آنجایی که ماشینهای پلیس گنجایش داشت، تظاهرکنندگان را دستگیر کردند. یکی از تظاهرکنندگان که یک زن حامله بود از بازداشتگاه به بیمارستان منتقل گردید. در میان دستگیر شدگان از کودک ۱۵ ساله دیده می‌شد تا پیرمرد ۷۱ ساله. دهها خبرنگار و فیلمبردار رادیو و تلویزیون و مطبوعات بین‌المللی و صدها شخصیت شرکت

سرودهای انقلابی گروه کر آغاز شد، سه نفر از خانواده شهدا سخنرانی داشتند که ضمن شرح زندگی شهداشان، به ضرورت اتحاد و همبستگی برای دفاع از جان زندانیان سیاسی تاکید کردند. آنگاه یکی از مسئولین حزب کمونیست فرانسه در منطقه پاریس سخنرانی کرد و پس از محکوم کردن اعدام‌های صورت گرفته در ایران، به همه مبارزین ایرانی درود فرستاد و پیروزی آنها را در مبارزه علیه رژیم خمینی آرزو نمود. مراسم با گزارش فشرده‌ای از فعالیت‌های کمیته همبستگی با زندانیان سیاسی ایران خاتمه یافت.

سیاسی و بزرگداشت شهدای اخیر، با شرکت بیش از ۴۰۰ نفر از ایرانیان مقیم پاریس، برگزار گردید. این برنامه که با نمایش اسلاید از صحنه‌های اعدام، شروع شده بود با سخنرانی نماینده "پژشکان ضد شکنجه" ادامه یافت و به دنبال آن مسئول "جامعه حقوق بشر فرانسه" سخنان مبسوطی در مورد شکنجه و اعدام‌های دسته جمعی اخیر ایراد کرد. پس از قرائت اشعاری پرشور، پیام‌های حمایت دهها حزب، سندیکای کارگری و نهادهای و مجامع دمکراتیک از این مراسم به اطلاع شرکت کنندگان رسید. در قسمت دوم برنامه که با



پاریس: تظاهرات در میدان حقوق بشر

همبستگی با زندانیان سیاسی ایران

روزنامه اومانیته، ۸ دسامبر: رئیس فراکسیون کمونیست‌ها در مجلس ملی طی نامه‌ای به رولان دوم، وزیر امور خارجه، از وی خواسته است که اعدام زندانیان سیاسی در ایران را محکوم کند و در مورد نجات جان آنها ای که هنوز از دم تیغ نگذشته‌اند، اقدام کند.

روزنامه اومانیته، ۶ دسامبر: کنفدراسیون همومی کار (س.ژ.ت.) طی تلگرامی به وزیر امور خارجه از وی خواسته است که از تمامی امکانات فشار بر دولت ایران برای قطع اعدام‌ها و رعایت دموکراسی بهره گیرد.

راهپیمایی به سوی سفارت خمینی

به قتل‌عام زندانیان سیاسی ایران پایان دهید!
مرگ بر خمینی جلاد!

در روز ۱۴ دسامبر به دهوت "جامعه حقوق بشر فرانسه" گردهمایی بزرگی در میدان حقوق بشر پاریس در اعتراض به اعدام‌های دسته جمعی زندانیان سیاسی در ایران ترتیب داده شد. کلیه احزاب و سازمان‌های مترقی و تشکلهای دموکراتیک از جمله "کمیته همبستگی با زندانیان سیاسی ایران" در این تظاهرات فعالانه شرکت کردند. تظاهرات از ساعت ۱۰ بعد از ظهر در محل مذکور آغاز شد و یکساعت بعد پس از سخنرانی کوتاه مسئول "جامعه حقوق بشر فرانسه"، از میدان حقوق بشر راهپیمایی به طرف سفارت رژیم جمهوری اسلامی در پاریس آغاز شد. پیش از ششصد نفر تظاهرکننده ضمن حمل دهها پلاکارد و شعارهای نوشته شده به زبان‌های فارسی و فرانسه و عکس‌های صحنه‌های اعدام و اعدام‌شدگان شعارهای زیراباصدی بلند فریاد زدند: حقوق بشر در ایران پایمال می‌شود! سکوت را بشکنید. ما در ایران کشته می‌شویم!

در فاصله تکرار شعارها که به زبان فرانسه داده می‌شد جمعیت مرتباً شعار مرگ بر خمینی را به زبان فارسی با خشم تمام تکرار می‌کردند. در فاصله پنجاه متری سفارتخانه صدها پلیس مسلح به تفنگ‌های نارنجک‌انداز و گاز اشک‌آور مانع نزدیک شدن مردم به سفارت شدند و فقط به یک هیئت نمایندگی حقوق بشر فرانسه اجازه دادند که به داخل سفارت رفته و یک نامه اعتراض نسبت به قتل‌عام زندانیان سیاسی در ایران را به مقامات سفارت بدهند. تا بازگشت این هیئت از داخل سفارت که حدود نیمساعت طول کشید جمعیت با صدای بلند به زبان‌های فرانسه و فارسی شعار دادند و همچنین مترسک خمینی را در این محل آتش زده و کاریکاتورها و عکس‌های او را سوزاندند. این حرکت اعتراضی، بازتاب قابل توجهی در رسانه‌های گروهی یافت.

شب بزرگداشت شهدا در پاریس

در فروب روز جمعه ۱۶ دسامبر به دهوت "کمیته همبستگی با زندانیان سیاسی ایران" در سالن سندیکای کارگران راه‌آهن پاریس مراسم پرشوری با عنوان "شب همبستگی با زندانیان

هلند

تظاهرات در برابر سفارتخانه رژیم

کمکی به سوی آنان هجوم آورد. پلیس با خشونت تظاهرکنندگان را وادار به دور شدن از محل سفارت کرد. تظاهرکنندگان اعتراض خود را در برابر وزارت خارجه هلند با توجه به این که قرار است وزیر خارجه هلند به ایران سفر کند ادامه دادند. آنها از جمله شعار می‌دادند: از گورهای جمعی، خمینی تبهکار، بر تو بیار داتش!

در روز جمعه ۹ دسامبر حدود صد تن از پناهندگان ایرانی در هلند دست به تظاهرات در برابر سفارتخانه رژیم خمینی در آمستردام زدند. تظاهرکنندگان که خشمگینانه علیه رژیم خمینی و جنایت عظیم کشتار جمعی زندانیان سیاسی شعار می‌دادند، به سوی سفارتخانه حمله ور شده بودند که پلیس با فراخواندن نیروی



بقیه در صفحه ۱۲

افزایش شمار کودکان محروم از تحصیل

در حال حاضر حدود یک میلیون و ۷۰۰ هزار کودک واجب‌التعلیم از تحصیل محرومند و با توجه به نرخ رشد ۴/۷ درصدی گروه سنی ۶-۱۰ ساله شمار این عده سال به سال افزایش خواهد یافت.

مهمترین عامل محرومیت تحصیلی کودکان و نوجوانان و جوانان، کاهش دائمی اعتبارات آموزش و پرورش در بودجه کل کشور است. طبق آمار موجود و اظهارات مسئولان آموزش و پرورش در حالی که اعتبارات عمرانی مورد نیاز این وزارتخانه برای سال ۱۳۶۲ مبلغی بیش از ۴۸ میلیارد و ۸۰۰ میلیون ریال بود، مبلغی که در عمل پرداخت شد ۴۰ میلیارد و ۶ میلیون ریال بوده است. این فاصله هزینه و اعتبار در سال‌های بعد افزایش پیدا کرده، بطوریکه از ۶۷ میلیارد ریال اعتبار مورد نیاز برای سال ۱۳۶۳ تنها حدود ۳۰ میلیارد ریال پرداخت شده و از ۸۵ میلیارد و ۶ میلیون ریال اعتبار مورد نیاز برای سال ۶۴، کمتر از ۱۸ میلیارد و چهار میلیون ریال پرداخت شده است. در سال ۶۵، افتی که از نظر اعتبارات هزینه شده نسبت به اعتبارات مورد نیاز عمرانی مشاهده می‌شود رکود و تنزل غیر قابل جبران سطح آموزش و پرورش را در جامعه به روشنی بازتاب می‌دهد. در این سال از ۱۰۹ میلیارد ریال اعتبارات مورد نیاز تنها ۱۲ میلیارد و ۹۰۰ میلیون ریال هزینه شده است.

این کاهش شتابنده و تصاعدی که در سال ۶۵ به ۹ برابر اختلاف میان اعتبارات و هزینه‌ها رسیده، در حالی شکل می‌گیرد که سالانه بیش از یک میلیون نفر بر شمار جمعیت لازم‌التعلیم افزوده می‌شود. آموزش و پرورش هم‌اکنون برای پاسخ به حداقل نیازهای آموزشی و جلوگیری از ادامه رکود تحصیلی با مشکل کمبود فضای آموزشی، استهلاک روزافزون تاسیسات موجود، تراکم انفجاری دانش‌آموز در کلاس، کمبود پرسنل آموزشی، بکارگیری افراد روزمزد و غیره متخصص، افت تحصیلی و کیفیت آموزشی، عدم توسعه آموزش راهنمایی برای دختران روستایی و کمبود نوشت‌افزار، میز، تابلو، نیمکت و وسایل سمعی و بصری مواجه است. ۷ میلیون دانش‌آموز مقطع ابتدائی و ۵ میلیون دانش‌آموز راهنمایی و دوره دبیرستان هر روز با این مشکلات دست به گریبان هستند. با ادامه روند جاری در سال ۱۳۸۸، تنها ۲۰ درصد افراد لازم‌التعلیم در بخش متوسطه و ۱۵ درصد در بخش راهنمایی جذب خواهند شد. در همین

حال مجمع تشخیص مصلحت نظام "قانون تاسیس مدارس غیرانتفاعی (خصوصی) را برای اجرا به آموزش و پرورش ابلاغ کرد. این قانون که از سوی مجلس تصویب شده و برخی موارد آن مورد اختلاف با نظر شورای نگهبان بود، از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام بررسی و اجرای آن تأیید شد. طبق ماده ۷ همین قانون منابع مالی مدارس غیرانتفاعی از طریق دریافت شهریه و سایر وجوه مالی اولیا، تامین می‌شود.

نمایندگان مجلس خواستار اخذ وام‌های خارجی شده‌اند

کرد. بحث نمایندگان در زمینه نحوه استقرار با آغاز بررسی برنامه ۵ ساله و تبصره‌های بودجه سال ۶۸ در هیات دولت شدت گرفت و کسب تکلیف برای تصمیم‌گیری نهایی به خمینی ارجاع شد. هنوز پاسخ خمینی انتشار نیافته است. در میزگرد سیاسی، سخنرانان اظهار داشتند که بحث نمایندگان پیرامون قانون اساسی به آنجا رسیده که همه آنان با تغییر قانون اساسی موافق هستند اما با دو انگیزه متفاوت و هر جثاتی برای دستیابی به اهداف خود. حدود اختیارات نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور، جایگاه "مجمع تشخیص مصلحت نظام"، شوراهای قضایی و عملکرد و وظایف آن، نقش خمینی در قبال قانون اساسی محور مباحث نمایندگان مجلس در میزگرد سیاسی بود.

بخاطر شرکت در مراسم ختم دکتر سامی، عده‌ای زندانی شدند

گردهمایی اعتراضی علیه رژیم بدل کرده بودند. قرار بود در روز ۱۱ آذر نیز در محل حسینیه ارشاد مجلس مشایعی برپا شود. اطلاعاتیه آن نیز چاپ و انتشار یافته بود اما بعد از حرکت اعتراضی روز هشتم آذر به دستور وزارت کشور از برپایی اجتماع در حسینیه ارشاد جلوگیری شد.

ترور دکتر سامی روز چهارشنبه چهارم آذرماه در مطب وی توسط فردی که به چاقو، نارنجک دستی و کلت مسلح بود، صورت گرفت. مسئولان رژیم که ابتدا این عمل تروریستی را به منابع متفاوتی نسبت دادند، هفته گذشته به طور ناگهانی اعلام داشتند که قاتل شناسایی گردیده ولی پیش از دستگیری خودکشی کرده است.

در میزگرد سیاسی دانشگاه تهران که با عنوان "بررسی تنگنای قانون اساسی" به مدت سه روز، برپا شد، فاش گردید که اخیراً نمایندگان مجلس با ارسال نامه‌ای به خمینی "خواستار اجازه استقرار از کشورهای بیگانه" شده‌اند.

خبر رسمی دریافت وام توسط جمهوری اسلامی از بانک‌ها و منابع بین‌المللی برای نخستین بار از سوی رفسنجانی طرح شد. وی در مصاحبه مطبوعاتی در پاسخ به سوال خبرنگار خبرگزاری آلمان فدرال اعلام کرد که اگر کشورهای دیگر نیز مانند آلمان فدرال تسهیلات مناسبی برای دریافت وام در اختیار ایران بگذارند، جمهوری اسلامی از آن استقبال خواهد کرد.

روز هشتم آذرماه شماری از شرکت‌کنندگان در مجلس بزرگداشت دکتر کاظم سامی رهبر "جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران" (جاما) توسط مأموران پاسداران شناسایی و دستگیر شدند و بلافاصله برای بازجویی به زندان انتقال یافتند. محتشمی وزیر کشور روز ۱۱ آذر، طی مصاحبه مطبوعاتی خبر دستگیری را تأیید کرد و دولت آنرا نقش‌باز داشت شدگان در سازماندهی تبلیغات و شعارهای اعتراضی شرکت‌کنندگان در مراسم، علیه رژیم خواند. وزیر کشور اظهار کرد که در مجلس بزرگداشت دکتر سامی که در محل مسجد امام حسن ماسگری، تهران برگزار شد، جمعیت انبوهی مرکب از پیروان گروه‌های سیاسی مخالف رژیم گرد آمده بودند و مراسم را به یک

گرانی ارزاق بیداد می‌کند



همین نرخ گران هم در بسیاری از مناطق کشور و حتی در شهرهای استان مرکزی بقایت دشوار است زیرا سیب زمینی پشت نایاب شده است. تهیه گوشت به بهای کوپنی از دیگر مشکلات مردم است. عکس جمعیتی را که در انتظار دریافت گوشت به نرخ دولتی، در برابر یک تصایب از دحام کرده‌اند، نشان می‌دهد.

در هفته‌های اخیر افزایش قیمت کالاهای مورد نیاز عموم شتاب باز هم بیشتری پیدا کرد. هر ضربه بسیاری از اقلام کالاهای گران‌تر از گذشته یافت. گوشت، نان، سیب زمینی و... اکنون گرانتر از گذشته یافتن آنها مشکل‌تر شده است. بهای هر کیلو سیب زمینی (به نرخ دولتی) بیش از ۲۰۰۰ ریال شده است. اما تهیه سیب زمینی با

وضعیت مسکن در ایران

کیهان شماره های ۱۳ و ۱۴ آذر:

سرشماری مسکن در سال ۱۳۶۵ با آخرین سرشماری مسکن قبل از آنکه در سال ۵۵ صورت گرفت در مقاطع واحد زمانی و در صد رشد واحد متفاوت است که گاه تبدیل به یک تناقض می شود و واقعا این حالت تردید را ایجاد می کند که کدامیک را باید باور داشت. برای روشن تر شدن موضوع به یک مثال توجه کنید سرشماری سال ۶۵ می گوید طی سالهای ۵۵-۵۶ رقبی حدود ۲۵-۳۰ درصد از تولید ناخالص ملی به بخش مسکن تخصیص یافته است. در حالیکه طبق آمار بانک مرکزی این رقم در همان مقطع زمانی بیش از ۱۰ درصد نبوده است.

اگر بخواهیم اساس برنامه هایمان را بررسی آماری سال ۶۵ قرار دهیم (که تا حدودی در برنامه توسعه این کار را کرده ایم) با نرخ رشد ۳/۷ درصد در سال ۱۳۸۵ نزدیک به سه میلیون واحد کمبود مسکن خواهیم داشت. اما اگر براساس آمار سال ۱۳۵۵ حساب کنیم در همان سال ۱۳۸۵ نزدیک به ۹ میلیون واحد مسکونی کم خواهیم داشت... براساس گزارشهای بانک مرکزی و آمار ارائه شده توسط وزارت مسکن و شهرسازی، موجودی مسکن در سطح کل کشور در سال ۶۳ رقبی برابر با ۶ میلیون و ۷۸۰ هزار واحد

سه گزارش کوتاه آماری

وضعیت اشتغال در ایران

کیهان شماره ۱۲ آذر:

از میان جمعیت بیش از ۵۰ میلیون نفری کشورمان، کل جمعیت فعال کشور براساس برآورد سال ۱۳۶۷ چیزی حدود ۱۲/۵ میلیون نفر است که از این تعداد معمولاً بیش از ۱۴ درصد آن بیکار و ۳۳ درصد آنها از نظر میزان بازدهی اقتصادی مشمول شرایط پرسنل کم کارند. بنابراین بار تولید ملی جامعه تنها بردوش ۷/۵ میلیون نفر است. این یعنی ۷/۵ میلیون نفر تولیدکننده و بیش از پنجاه میلیون مصرف کننده!

مسئله دیگر در مورد کیفیت اشتغالهای موجود است. آمار نشان دهنده آن است که حدود ۸۰ درصد از مشاقلی که در فاصله سالهای ۶۵-۱۳۵۵ ایجاد شده، ماهیتی خدماتی دارند و بالاترین که ۴۳ درصد از کل میزان اشتغال شهری عمدتاً ماهیت واسطه‌ای و دلالی دارند. مطالعات در بخش پازده سرانه کار نشان می دهد در بخش خدمات دولتی پازده سرانه کار نزدیک به ۷۰٪ سقوط داشته است...

در حال حاضر دو نوع بیکاری در جامعه دیده می شود. یکی بیکاری آشکار و دیگری بیکاری پنهان. بیکاری پنهان اصطلاحی است که صاحب نظران برای اشتغال ناقص بکار می برند. نکته‌ای که باید به آن توجه داشت این است که نسبت شاقلان متمرکز در بخش صنعت از ۱۹ درصد در سال ۵۵ به ۱۳ درصد در سال ۶۵ تنزل کرده است و این میزان تنزل یعنی افت شدید در بخش تولیدات صنعتی و افت شدید در بخش اشتغال مغفید. رقم شاقلان در بخش صنعت از ۱۶۷۲۰۰۰ در سال ۵۵ به ۱۴۶۰۰۰۰ در سال ۶۵ کاهش یافته است. این در حالی است که بخش خدمات میزان افراد شاقل خود را از ۳۱٪ در سال ۵۵ به ۴۲/۵ درصد در سال ۶۵ رسانده است...

طبق بررسی آمار ایران متوسط درآمد سالانه یک خانوار شهری در سال ۶۲ چیزی حدود ۹۲۰۰۰۰ ریال بوده، در حالی که هزینه سالانه در همین سال بالغ بر ۱۱۰۰۰۰۰ ریال بوده است. تازه این رقم مربوط به سال ۶۲ است.

روندی منفی بوده بطوری که از بیش از ۱۵۳ هزار جواز در سال ۱۳۶۳ به چیزی کمتر از ۱۲۴ هزار در سال ۱۳۶۵ کاهش داشته است. این در واقع یعنی چیزی حدود ۲۰ درصد کاهش در صدور پروانه‌های ساختمان از سال ۱۳۶۳ به بعد. سیر نزولی تولید مسکن در سالهای اخیر به همین جا خاتمه نمی یابد. علیرغم افزایش شدید آهنگ رشد جمعیت طی دهه اخیر سرشماری سال ۱۳۶۵ تعداد واحد مسکونی ساخته شده در کل کشور را در یکسال ۵۵-۵۶ یک میلیون و ۱۵۲ هزار واحد اعلام می کند که این تعداد در یکسال ۶۳-۶۴ به ۶۵۷ هزار واحد تقلیل می یابد یعنی حدوداً در سال ۶۴ نصف سال ۵۶ مسکن تولید می شود اما آیا جمعیت هم به همین نسبت نصف شده! این کاهش ها در تولید مسکن در وحله اول به کاهش اعتبارات تخصیص یافته بخصوص در بخش دولتی مسکن برمی گردد. در این مورد کافی است بدانید که سهم اعتبارات بخش دولتی مسکن در بودجه سال ۱۳۶۰ بیش از ۶۷ میلیارد ریال بوده، این سهم در سال ۱۳۶۵ به چیزی کمتر از ۳۸ میلیارد ریال کاهش می یابد و بالاخره در سال ۶۶ به کمتر از ۱۴ میلیارد ریال می رسد. یعنی اعتبار بخش دولتی مسکن در سال ۶۶ پنج برابر کمتر از سال ۶۰ بوده!

سال نزدیک به ۳۳۰۰۰۰ نفر بوده است. در مورد دندانپزشک معیار سازمان بهداشت یک نفر برای هر ۱۰۰۰۰ نفر است. در این زمینه هم کمبود محسوسی وجود دارد. بطوریکه در حال حاضر تقریباً برای هر ۲۰۰۰۰ نفر یک دندانپزشک وجود دارد. در مورد تعداد کادر پزشکی زنان این تفاوت بسیار شدیدتر است علیرغم آنکه حداقل یک ماما برای هر ۵۰۰ زن مورد نیاز است در کشور ما حدوداً برای هر ۱۸۰۰۰ زن یک ماما وجود دارد. براساس معیار هر ماما برای ۵۰۰ نفر، تا سال ۱۳۶۵ کشور ما نیاز به حدود ۹۴۰۰۰ ماما داشته اما از این تعداد تنها حدود ۲۸۰۰ نفر متخصص در این رشته وجود داشته اند.

بوده است. رقم خانوارهای موجود در همین سال ۸ میلیون و ۶۰۰ هزار گزارش شده است. بنابراین ما در سال ۶۳ چیزی حدود یک میلیون و ۸۱۰ هزار واحد مسکونی برای رفع نیازهای مسکن در آن مقطع زمانی کم داشته ایم. یک بررسی دیگر در مورد نسبت افزایش خانوارها و فعالیت تولیدی مسکن نشان می دهد تراکم خانوار در هر واحد مسکونی از سال ۵۵ تا سال ۶۳ از ۲۶/۱ به ۲۷/۱ افزایش یافته است.

این بررسی که توسط یکی از کارشناسان مسکن انجام شده اعلام می کند که علی رغم این افزایش تراکم خانوار در واحد مسکونی کم شدن تعداد واحدهای مسکونی نیز طی همین دوره زمانی مزید بر هلت شده است. به این صورت که تعداد واحد مسکونی برای هر هزار نفر از ۱۵۹ به ۱۵۸ تقلیل یافته است.

همچنین تراکم نفر در واحد مسکونی طی همین سالها (۶۳-۱۳۵۵) از ۲۹/۶ به ۳۴/۶ افزایش یافته است و از طرف دیگر تعداد اطاق برای هر هزار نفر از ۵۰۴ به ۵۰۰ اطاق کاهش نشان می دهد.

یک گزارش مرکز آمار ایران حاکی است که از سال ۱۳۶۳ به بعد تعداد پروانه‌های ساختمانی صادره توسط شهرداریهای کشور دارای

وضعیت امکانات درمانی در ایران

پزشک برای ۱۰۰۰ نفر در کشور ما هر پزشک برای ۳۰۰۰ نفر است، این به آن مفهوم نیست که در نقاط دور افتاده نیز واقعا هر ۳۰۰۰ نفر یک پزشک در دسترس دارند. با این وضع اگر بخواهیم براساس معیارهای جهانی میزان کادر پزشکی و پیراپزشکی مورد نیاز جمعیت فعلی کشورمان را محاسبه کنیم چیزی بیش از ۵۰۰۰۰ نفر خواهد بود از این پنجاه هزار کادر پزشکی مورد نیاز آنچه براساس آمار موجود تا سال ۱۳۶۵ در دسترس بوده است، کمتر از ۱۷۰۰۰ نفر می شد. در واقع ما تا سال ۱۳۶۵ تنها یک سوم از کادر پزشکی و پیراپزشکی مورد نیاز جمعیت را داشته ایم و میزان کمبودمان در این مورد در همان

کیهان شماره ۱۶ آذر:

استاندارد سازمان بهداشت جهانی در مورد تعداد پزشک نشان می دهد که بطور متوسط برای هر ۱۰۰۰ نفر یک پزشک لازم است. اما این تعداد مطابق آمار سال ۱۳۶۵ در کشور ما چیزی حدود یک پزشک برای هر ۳۰۰۰ نفر است. البته نکته‌ای که در همین جا باید تذکر دهیم این است که علاوه بر کمبودهای فاحش در امکانات پزشکی و درمانی، یک مشکل بزرگ دیگر در این مورد وجود دارد و آن این است که در کشور ما تمرکز کادر و امکانات پزشکی در شهرهای بزرگ و مراکز استان ها باعث خالی شدن روستاها و نقاط دور افتاده و محروم کشورمان از این امکانات شده است. بنابراین اگر اعلام می شود که مثلاً بجای هر

فرودپیشانی پر سنگ خارا

تقدیم است به خاطره ماندگار همه کشتگانی

که مرگ را شکستند، اما خودنشانکستند. با هر نام، اندیشه و منش.

و به خاطره رفیق محمد دریاباری که از این تبار بود.

و

دریاباری

خاموش کی تواند بود.

□□□

دریاسلام!

سلام دریایی!

بر خیز جان من،

این جامه سپید را

با

گلبوته های خورش

از تن برون فکن!

این جامه، جامه هنگام بزم ماست.

نک، گام رزم ماست.

بر خیز!

آن رزم جامه را دوباره به تن کن!

قیرات را بدشت بر آور.

شمشیر از نیام در آور!

فردا تمام چشم بر امان،

نام بلند دریارا

— دریای کشتگان را —

از مای پر سند.

فردا دوباره دریای توفانی ست.

فردا دوباره در دل این خاک، فمسرشت،

باید پیوریم

گلخوشه های گندم و آزادی را.

فردا، افق،

چونان همیشه شعله ور و خونی ست،

و تشنگان این کویر تر کخورده،

فریادمی زنند:

— دریای دریای!

دریاسلام،

سلام دریایی!

مانی

۱۵ آذر ماه ۱۳۶۷

من بودم و تو بودی و حلاج

در کوچه های مظلمه تاریخ،

سنگ و کلام زشت به ما افکندند.

میثاق عشق ما را

فوج پرندگان بهاری

برداشتند و بردند

تا انتهای خاطره خاک

تا خفیه گام خیل دلیران.

□□□

دریاسلام!

— دریای کشتگان!

— دریایان سلام!

من مانده ام کم باز بمویم!

و با فرود پیشانی

بر سنگهای خارا

این قصه را دوباره بگویم!

و ده! ده! چه زیبا بودی

و مرگ از تو چه زیبا شد!

تو مرگ را شکستی

اما

خود هیچگاه نشکستی!

در شاهگاه هول و قرق

می آمدی

با خنده ای به وسعت دریا

با سینه ای به گرمی رویا

و می گفتی:

— فردا صدای عشق

بر گستر اکبر دشت پر اکنده می شود.

هر سینه، هر گلو

از نغمه ای بهاری، آکنده می شود.

فردا دوباره دریای توفانی است.

دریاست، آری

دریاسلام!

سلام دریایی!

امروز پیک تلخ دهان آمد

و گفت کشته اند تو را باز.

و خون باستانی ات اینک،

در فنجانه های تازه روان است.

و نام تو دهان به دهان

کوتاه مثل آه

وزان است.

□□□

مرگت چسان فراموش آمد؟

نام تو را چگونه فرا خواندند؟

آتش چگونه بر تو گشودند؟

خونت چگونه طرح سخن ریخت؟

جان تو را چگونه ربودند؟

تو آرزو هماره چنان داشتی،

که پر خروش و هواج،

با قامتی گشاده و سرو آسا

بر آستان مرگ در آئی.

اینبار،

مرگت چگونه حادث شد؟

آن بار را بیاد می آرم،

من بودم و تو بودی و بابک بود.

در بارگاه خوف خدایان،

برداشتند دست و سر ما را.

اما سر و دمان،

تا ژرفجای مرواژه

تا یادمان هر شهر

جاری شد.

و دیگر حتی،

یک خوشه گل گندم نبود در این دشت،

کز هطر خون ما

بی بهره مانده باشد.

یکبار هم

اطلاعیه مطبوعاتی شماره ۴ نمایندگی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در اروپا پیرامون فاجعه کشتار همگانی زندانیان سیاسی در ایران

گزارش‌های دریافتی حاکی از این است که کشتار زندانیان سیاسی به دستور هالیت‌ترین مقامات رژیم جمهوری اسلامی و توسط هیأتی سه نفره که از جانب شخص خمینی منصوب شده‌اند انجام یافته است. این هیأت طی چندماه گذشته به زندان‌های مختلف رفته و زندانیان را تحت بازجویی عقیدتی قرار دادند. اعدام‌ها پس از تفتیش عقیده صورت گرفت. سؤالات مطروحه در این بازجویی عقیدتی به گونه‌ای بود که زندانی ناچار بود میان نفی همه عقاید سیاسی و ارزش‌های انسانی و یا مرگ یکی را برگزیند. بازجویان عقیدتی حتی از زندانیان می‌خواستند برای نجات خویش در تیرباران دیگر زندانیان شرکت نمایند. بسیاری از زندانیان پس از طی این مرحله بازجویی تیرباران شدند. این امر مورد اعتراف مقامات رژیم نیز قرار گرفت. موسوی اردبیلی رئیس شورای عالی قضایی روز ۱۰ دسامبر در یک مصاحبه مطبوعاتی در قالب جملات زیر این امر را مورد تأیید قرار داد. وی در این مصاحبه پس از تأیید کشتار زندانیان سیاسی گفت: «ما فرصت دادیم که آنها در لیست عفو قرار گیرند، اما آنها از این فرصت استفاده نکردند.»

فاجعه عظیمی که در زندان‌های ایران اتفاق افتاده است و هم‌اکنون نیز ادامه دارد در تاریخ چند دهه اخیر جهان بی‌سابقه است. کشتار چند هزار زندانی سیاسی، گورهای جمعی، تیرباران و به‌دازدن در مقابل چشم‌ان زندانیان دیگر، زندانیان دیگری که نوبت خود را انتظار می‌کشند، شکنجه روانی مداوم خانواده زندانیان سیاسی و اعدام شدگان، همدارائه هرگونه خبری در مورد محل دفن جسد و... تبعکاری بی‌مانندی است که مشابه آن تنها در دوران فاشیسم هیتلری صورت می‌پذیرفت. ابعاد این فاجعه که نه تنها یک فاجعه عظیم برای مردم ایران که یک فاجعه بشری است واکنش فوری و اضطراری انسان‌های منزه را از این جنایات را می‌طلبد. مقابله با این جنایات رژیم جمهوری اسلامی و نجات جان باقیمانده زندانیان سیاسی در گرو کاربست تمامی امکانات است. ما از همه دولت‌ها، از همه احزاب و سازمان‌های ملی و بین‌المللی ذیربط، از همه شخصیت‌های مدافع حقوق بشریاری می‌طلبیم و می‌خواهیم با تمام قوا در این راه بکوشند.

نمایندگی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در اروپا
۲۴ دسامبر ۱۹۸۸

هر روز بر فهرست اسامی زندانیانی که در چند ماه اخیر در فاجعه کشتار همگانی زندانیان سیاسی ایران اعدام شده‌اند نام‌های جدیدی افزوده می‌شود. این اسامی هم زندانیانی را که در طی ماه‌های تابستان سال جاری اعدام شده‌اند و اینک خبر آن دریافت شده است، و هم اعدام شدگان جدید را شامل می‌شود. جنایات هولناک رژیم جمهوری اسلامی همچنان ادامه دارد. در برابر زندانهای رژیم، از اعضای خانواده‌های زندانیان سیاسی که برای کسب خبر از سرنوشت عزیزان و دریافت آخرین یادگار بستگان اعدام شده‌شان جمع شده‌اند صف‌های دائمی وجود دارد. تنها در روز شنبه ۱۰ دسامبر شمار کسانی که پس از دریافت خبر اعدام زندانی خود برای دریافت وسایل شخصی آنها مراجعه کرده بودند، به بیش از ۵۰ تن می‌رسید.

فاجعه کشتار همگانی زندانیان سیاسی ایران از نیمه تابستان و با قطع تماس زندانیان سیاسی با خارج از زندان قطع ملاقاتها شدت گرفت. در همه شهرهای ایران و در همه زندان‌هایی که در آنها زندانیان سیاسی بنید کشیده شده بودند، کشتارهای وسیعی صورت گرفت. این اعدام‌ها وابستگان همه سازمان‌های سیاسی اپوزیسیون در ایران را شامل می‌شود. بدلیل شرایط موجود در ایران ارائه آمار دقیق از تعداد قربانیان این شورش ملایان حاکم بر ایران علیه بشریت بزودی قابل ارائه نیست. اما از جمع‌بند گزارش‌هایی که شمار کشته‌شدگان هر یک از زندانهای ایران را با خود دارد، می‌توان دریافت که رقم قربانیان چند هزار نفر است.

نام و مشخصات ۲۸۲ تن از زندانیان اعدام شده پیش از این در نشریات سازمان مادر چ گردید.

در روزهای اخیر اسامی بیشتری بدست ما رسیده است. به ضمیمه اسامی ۴۳۹ تن از قربانیان کشتار زندانیان سیاسی ایران منتشر می‌شود.

بسیاری از قربانیان در گورهای جمعی دفن شده‌اند. بطور مثال در تهران گورهای جمعی در گورستان‌های خاوران، بهشت زهرا، بهشت سکنه - بین راه تهران و قزوین - کشف شده‌اند که در هر کدام از آن‌ها پیکر چند صد تن از بهترین فرزندان مردم ایران بر روی هم انباشته شده است.

فهرست اسامی ۴۳۹ تن از قربانیان کشتار جمعی زندانیان سیاسی

- ۱- یوسف آبخون (راه‌کارگر)
- ۲- گل‌هلی آتیک (حزب توده ایران)
- ۳- حسن آخر خوب (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
- ۴- کیان آذروش (سازمان فدائیان خلق ایران پیرو بیانیه ۱۶ آذر)
- ۵- اصغر آراسته (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۶- حضرت الله (امیر آیین (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۷- مهر انگیز آفاق (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۸- سیاوش آقاجان زاده
- ۹- مختار آوی‌هنگ (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
- ۱۰- مرزیه آیت‌الله زاده شیرازی (سازمان مجاهدین خلق ایران)
- ۱۱- اسد ابراهیمی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۱۲- سرگون ابراهیمی
- ۱۳- همت ابراهیمی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۱۴- مصطفی ابراهیمی
- ۱۵- عزیز الله ابراهیمی گودرزی
- ۱۶- رحیم ابراهیمیان (اعدام شده در زندان ارومیه)
- ۱۷- محمد احمد نژاد (اعدام شده در زندان سقز)
- ۱۸- اشرف احمدی (سازمان مجاهدین خلق)
- ۱۹- جمیل احمدی آرام - (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
- ۲۰- پیروز احیا (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۲۱- احمد ادریسیان (حزب توده ایران)
- ۲۲- سیروس ادیبی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۲۳- قلامر ضا ادیبی (حزب توده ایران)
- ۲۴- خسرو اسدی
- ۲۵- هلیز اسکندری - شاهپور - (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۲۶- جمال اسکندری (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
- ۲۷- صمد اسلامی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۲۸- مرتضی اسلامی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۲۹- اسماعیلی (سازمان مجاهدین خلق ایران)
- ۳۰- حکمت اسماعیل (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
- ۳۱- اسد الله اسمی
- ۳۲- فاطمه اشراقی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۳۳- سرهنگ ابوالقاسم افرازی (حزب توده ایران)
- ۳۴- حمید انصاری (سازمان مجاهدین خلق ایران)
- ۳۵- دکتر محمد حسین اکبر زاده یوسفی
- ۳۶- کسری اکبری کردستانی (حزب توده ایران)
- ۳۷- محمود اکبری (سازمان مجاهدین خلق)
- ۳۸- رضا اکرامی
- ۳۹- اقبال فرزند سوور (اعدام شده در زندان سقز)
- ۴۰- ناصر الماسیان (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)

- ۴۱- سیامک الماسیان (سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران اقلیت)
۴۲- حمزه الماسی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۴۳- پرویز المی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۴۴- سعیدامامی (سازمان مجاهدین خلق)
۴۵- فلامر ضاویسی (حزب توده ایران)
۴۶- مصطفی ایزدی
۴۷- ناصر ایلخانی (حزب توده ایران)
۴۸- مجیدایوانی (سازمان چریک‌های فدایی خلق اقلیت)
۴۹- جمشید بابااُلی
۵۰- تیمور بابایی
۵۱- بازرگان (حزب توده ایران)
۵۲- بهمن باقرزاده (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۵۳- ابوتراب باقرزاده (حزب توده ایران)
۵۴- عبدالعظیم باقری
۵۵- احمدبانی چنگ‌لو
۵۶- صلاح باورنیر (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
۵۷- بخت آبادی
۵۸- ناصر بدری
۵۹- حبیب بدن آرا (سازمان مجاهدین خلق)
۶۰- مسعودبرنجیان (سازمان مجاهدین خلق)
۶۱- کامران بوئینی (سازمان مجاهدین خلق)
۶۲- کیومرث بوئینی (سازمان مجاهدین خلق)
۶۳- احمد بهتاش (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۶۴- بهرام بهتاش (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۶۵- اکبر بهزادپور (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۶۶- منوچهر بهزادی (حزب توده ایران)
۶۷- سیامک بهزادی
۶۸- محمود به‌کیشی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۶۹- علی به‌کیشی (سازمان چریک‌های فدایی خلق اقلیت)
۷۰- بهرام بیداریان (سازمان مجاهدین خلق)
۷۱- ناخدا محسن بیدگلی (حزب توده ایران)
۷۲- محمد (محسن) بیگدلی (سازمان فدائیان خلق ایران پیرو بیانیه ۱۶ آذر)
۷۳- کمال الدین پاکدل (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۷۴- محمدعلی پرتوی (مبارز و زندانی سیاسی سرشناس دوران ستمشاهی)
۷۵- اسدالله پژمان (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۷۶- پناهنده
۷۷- سید محمود پناهی
۷۸- مهر دادپناهی شبستری
۷۹- اسدالله پنجه‌شاهی
۸۰- هلیتقی پور احمدی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۸۱- اسماعیل پور محمدی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۸۲- هوشنگ پیرنژاد
۸۳- حمید تاج‌دینی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۸۴- تاجگردان
۸۵- کریم تالابی
۸۶- محسن تراب‌زاده (سازمان مجاهدین خلق)
۸۷- علیرضا تشید (راه‌کارگر)
۸۸- ۹۲- عضو خانواده تقی‌زاده
۹۳- توشزی (سازمان مجاهدین خلق)
۹۴- علی توونجیان
۹۵- جابر تهران کعبی
۹۶- ثابتی (سازمان مجاهدین خلق)
۹۷- فریدثانی
۹۸- ثابتیان
۹۹- احمد ثقلینی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۱۰۰- دکتر جعفر جاویدنفر (حزب توده ایران)
۱۰۱- جلیل جباری (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۱۰۲- مولاجبلی (سازمان مجاهدین خلق)
۱۰۳- ابوبکر جدیدالاسلام (حزب توده ایران)
۱۰۴- عباس جعفری
۱۰۵- حسن جلالی (حزب توده ایران)
۱۰۶- محمدرضا جلالی‌فر (حزب توده ایران)
۱۰۷- اسماعیل جمیلی (حزب توده ایران)
۱۰۸- قاسم جوان شجاع (سازمان مجاهدین خلق)
۱۰۹- حسین جودت (حزب توده ایران)
۱۱۰- جعفر جهانگیری
۱۱۱- ابراهیم چاوشی
۱۱۲- محمد حاتمی
۱۱۳- هدایت‌الله حاتمی (حزب توده ایران)
۱۱۴- امیر حاتمی (سازمان مجاهدین خلق)
۱۱۵- امیر حسین حاج محسن
۱۱۶- فرهاد حاج میرزایی (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
۱۱۷- اسحاق حاج ملکی (حزب توده ایران)
۱۱۸- لیلی حاجیان نژاد (سازمان مجاهدین خلق)
۱۱۹- مجازی
۱۲۰- نادر حبیبی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۱۲۱- عباس مجری بجمستانی (حزب توده ایران)
۱۲۲- محسن حریری (سازمان مجاهدین خلق)
۱۲۳- منصور حریری (سازمان مجاهدین خلق)
۱۲۴- محمود حسن پور اصل (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۱۲۵- ابراهیم حسن پور شیرازی (حزب توده ایران)
۱۲۶- مهدی حسینی‌پاک (حزب توده ایران)
۱۲۷- حسن حسن‌پور (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
۱۲۸- شفیق حسین‌پور (حزب توده ایران)
۱۲۹- رحیم حسین‌پور رودسری (راه‌کارگر)
۱۳۰- محمد حسین خوانی (حزب توده ایران)
۱۳۱- حمید حسینی
۱۳۲- امیر حسین حسینی (سازمان مجاهدین خلق)
۱۳۳- فلام‌حق بیان (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
۱۳۴- حسن حقیقت (سازمان مجاهدین خلق)
۱۳۵- عبدالعلی حقیقیان رودسری
۱۳۶- حمید حق‌منیع (سازمان مجاهدین خلق)
۱۳۷- حکیمی‌ریزی‌بندی (سازمان مجاهدین خلق)
۱۳۸- علی‌نقی حمیدیان
۱۳۹- ناهید موانجی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۱۴۰- شهریار حیدری (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
۱۴۱- ظفر حیدری
۱۴۲- کریم حیدر نژاد
۱۴۳- علی‌خاتونی (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
۱۴۴- تقی‌خان (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۱۴۵- محمد حسین خانی‌کارگر
۱۴۶- اسعد خاموشی
۱۴۷- حمید خاورپور (سازمان مجاهدین خلق)
۱۴۸- جمشید خردوزی (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
۱۴۹- پرویز خسروی (سازمان چریک‌های فدایی خلق اقلیت)
۱۵۰- خسرو خسروی
۱۵۱- مصطفی خضری (اهدام‌شده در زندان سقز)
۱۵۲- ابوالحسن خطیب (حزب توده ایران)
۱۵۳- اکبر خطیبی (حزب توده ایران)
۱۵۴- خضابی
۱۵۵- خضایار خواجهیان غرمرز (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۱۵۶- حسن خوانساری
۱۵۷- حمید خواجوی (سازمان فدائیان خلق اکثریت)
۱۵۸- کاظم خوشابی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۱۵۹- کاظم خوشدل
۱۶۰- کریم خوش‌تفلاک (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
۱۶۱- فرزاد دادگر (حزب توده ایران)
۱۶۲- بهرام دادور (حزب توده ایران)
۱۶۳- اسدالله داریک‌بندی
۱۶۴- ابراهیم داتایی

- ۱۶۵ - دکتر احمد دانش (حزب توده ایران) ۲۱۵ - رودری
۱۶۶ - بهرام دانش (حزب توده ایران) ۲۱۶ - محمدریاضی (راه کارگر)
۱۶۷ - منصور داوران ۲۱۷ - جعفر ریاضی (راه کارگر)
(سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت) ۲۱۸ - فاطمه زارعی (سازمان مجاهدین خلق)
۱۶۸ - محمد تقی داوودی (سازمان مجاهدین خلق) ۲۱۹ - عزت الله زارع (حزب توده ایران)
۱۶۹ - احمد حمیدزاده (حزب توده ایران) ۲۲۰ - بهمن زکی (سازمان مجاهدین خلق)
۱۷۰ - ۱۷۴ - عضو خانواده داوودی ۲۲۱ - علی زمر دیان (سازمان پیکار)
۱۷۵ - حسین درویدی (سازمان مجاهدین خلق) ۲۲۲ - زنجانی
۱۷۶ - بهیلادرویگی کهن ۲۲۳ - هوشنگ زندی (سازمان زحمتکشان
(سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت) کردستان کومله)
۱۷۷ - محمد دریاباری (سازمان فدائیان خلق) ۲۲۴ - حبیب سالیانی
۱۷۸ - حسن دشت آرا (سازمان فدائیان خلق) ۲۲۵ - تمهینه ستوده
۱۷۹ - منصور دلال زاده ۲۲۶ - منوچهر سرحدی (سازمان فدائیان خلق
۱۸۰ - رضادلاور ۲۲۷ - رسول سلجوقی
۱۸۱ - محسن دلجانی (حزب توده ایران) ۲۲۸ - دکتر مهدی سلیمانی (حزب توده ایران)
۱۸۲ - علی رضادلیلی (حزب توده ایران) ۲۲۹ - حسین سیاق پور (سازمان فدائیان خلق
۱۸۳ - محمدرضادلیلی (حزب توده ایران) ۲۳۰ - حسین سیاه قلم
۱۸۴ - لیلی دلیلی (سازمان مجاهدین خلق) ۲۳۱ - کمال سیدمرادی (سازمان زحمتکشان
۱۸۵ - حمید دوست محمدی ۲۳۲ - جمال سید مرادی (سازمان زحمتکشان
۱۸۶ - احمد دهنادی ۲۳۳ - زهرا سیدی سیاه اسطخی (سازمان
۱۸۷ - فتیمی دیانت (سازمان فدائیان خلق ایران - مجاهدین خلق)
۱۸۸ - منصور دیانت (سازمان فدائیان خلق ایران) ۲۳۴ - مجید سیمیناری (راه کارگر)
۱۸۹ - محمد حسن دیانک شوری (سازمان) ۲۳۵ - اکبر شاکری (سازمان مجاهدین خلق)
۱۹۰ - اسماعیل ذوالقدر (حزب توده ایران) ۲۳۶ - بهمن شاکری
۱۹۱ - پرویز ذوالفقاری ۲۳۷ - مجید شاه حسینی (سازمان مجاهدین
۱۹۲ - حسین راسخ (حزب توده ایران) ۲۳۸ - ناصر شامسون (حزب توده ایران)
۱۹۳ - شهریار راضی (سازمان چریکهای فدایی خلق) ۲۳۹ - علی شبانی (حزب توده ایران)
۱۹۴ - تیمور راوندی (حزب توده ایران) ۲۴۰ - چنگیز شریفی (سازمان مجاهدین خلق)
۱۹۵ - طلفان ربیعی (حزب توده ایران) ۲۴۱ - پرویز شریفی
۱۹۶ - جمشید رستمی (سازمان چریکهای فدایی خلق) ۲۴۲ - ژاله شریفی (سازمان مجاهدین خلق)
۱۹۷ - محمدرضا رجالی فر (حزب توده ایران) ۲۴۳ - شریعت (سازمان مجاهدین خلق)
۱۹۸ - محمدرجائی مند (حزب توده ایران) ۲۴۴ - ابراهیم شعبانی
۱۹۹ - صلاح رجبی (سازمان زحمتکشان) ۲۴۵ - سروان شفیعی پور
۲۰۰ - رحمتیان ۲۴۶ - سیامک شکوهی (سازمان فدائیان خلق
۲۰۱ - محمد رحیمزاده (سازمان چریکهای) ۲۴۷ - مجید شمس (سازمان مجاهدین خلق)
۲۰۲ - حسین رحیمیان (سازمان فدائیان خلق) ۲۴۸ - سرگرد رحیم شمس (حزب توده ایران)
۲۰۳ - احمد رحیمی ۲۴۹ - علی شهبازی (حزب توده ایران)
۲۰۴ - محمدرزاقی ۲۵۰ - حسن شعبانی (سازمان فدائیان خلق ایران)
۲۰۵ - آصف رزم دیده (حزب توده ایران) ۲۵۱ - اکبر صادقی بناب (سازمان فدائیان خلق
۲۰۶ - پرویز رستم علی پور ۲۵۲ - ابوالحسن صادقی (سازمان مجاهدین خلق)
۲۰۷ - روشن زاده ۲۵۳ - فریبرز صالحی (حزب توده ایران)
۲۰۸ - احمد علی رصدی (حزب توده ایران) ۲۵۴ - مهرداد صالحی
۲۰۹ - جمال رضایی (سازمان زحمتکشان) ۲۵۵ - رضاصالحی (سازمان مجاهدین خلق)
۲۱۰ - احمد رضایی (سازمان فدائیان خلق ایران - کردستان ایران کومله) ۲۵۶ - نادر صیری
۲۱۱ - منوچهر رضایی (سازمان مجاهدین خلق) ۲۵۷ - عبدالعظیم صبوری (ارتش رهایی بخش
۲۱۲ - سعید رمضان (سازمان مجاهدین خلق) ۲۵۸ - احمد صبوری
۲۱۳ - محسن روزبهانی (سازمان مجاهدین خلق) ۲۵۹ - حسن صداقت پور
۲۱۴ - عادل روزدار (حزب توده ایران) ۲۶۰ - جعفر صدای وطن (حزب توده ایران)
۲۶۱ - شاهین صدای وطن (حزب توده ایران)
۲۶۲ - حسین صدایی (سازمان فدائیان خلق) ۲۶۳ - علی صدایی (سازمان فدائیان خلق - پیرو
۳۰۰ - حسین فارسی (سازمان مجاهدین خلق) ۳۰۱ - حسن فارسی (سازمان مجاهدین خلق)
۳۰۲ - جهانگیر فتیمی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۳۰۳ - علی فتیمی
۳۰۴ - مهرداد فرجاد آزاد (حزب توده ایران)
۳۰۵ - فرج پور
۳۰۶ - مهرداد فرزانه ثانی
۳۰۷ - داوود نرعی

- ۳۰۸ - خانم فلاحتی
۳۰۹ - فنایی فر
۳۱۰ - فولادی (سازمان مجاهدین خلق)
۳۱۱ - رضایضی پور
۳۱۲ - سوسن فیزه‌ندی
۳۱۳ - صلاح فیضی (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
۳۱۴ - عباس فیروزی (سازمان مجاهدین خلق)
۳۱۵ - اصغر قباقلو (حزب توده ایران)
۳۱۶ - محی‌الدین قادری (اعدام شده در زندان سقز)
۳۱۷ - حسین قاسم‌نژاد (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۳۱۸ - عباس قاسمی ملایی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۳۱۹ - سلمان قاسمی
۳۲۰ - علیرضا قاسمی
۳۲۱ - رامین قاسمی (سازمان مجاهدین خلق)
۳۲۲ - مرزیه قبادیان
۳۲۳ - حمید قبادیان
۳۲۴ - قربان نژاد (حزب توده ایران)
۳۲۵ - نیر قربان پور
۳۲۶ - بهرام قربانی (سازمان مجاهدین خلق)
۳۲۷ - داوود قریشی (حزب توده ایران)
۳۲۸ - ابوالفضل قریشی
۳۲۹ - همت قلاوند (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت)
۳۳۰ - حسین قلم‌بر (حزب توده ایران)
۳۳۱ - محمود قلی‌پور (سازمان مجاهدین خلق)
۳۳۲ - بهمن قنبری (حزب توده ایران)
۳۳۳ - ساسان قندی (حزب توده ایران)
۳۳۴ - قوی‌دل (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۳۳۵ - داریوش کاندپور
۳۳۶ - سعید کاظمی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۳۳۷ - زین‌العابدین کاظمی (سازمان فدائیان خلق ایران پیرو بیانیه ۱۶ آذر)
۳۳۸ - هوشنگ کامرانی میهنی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۳۳۹ - کفاش پور
۳۴۰ - اسماعیل کریم‌زاده
۳۴۱ - شهلا کلاه‌قچی (سازمان زحمتکشان کردستان کومله)
۳۴۲ - رضا کمپانی (حزب توده ایران)
۳۴۳ - حسن کوچکی
۳۴۴ - حسن کیانفر
۳۴۵ - علیرضا کیایی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۳۴۶ - مهدی کیهان (حزب توده ایران)
۳۴۷ - مهدیه گرافیان
۳۴۸ - منوچهر گرم‌رودی
۳۴۹ - گرجی (سازمان مجاهدین خلق)
۳۵۰ - عطیه‌گزان (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
۳۵۱ - رضا گلپایگانی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۳۵۲ - گلپایگانی (سازمان مجاهدین خلق)
۳۵۳ - کامبیز گل‌چویان (سازمان فدائیان خلق ایران پیرو بیانیه ۱۶ آذر)
۳۵۴ - علی کلجین (سازمان مجاهدین خلق)
۳۵۵ - مریم گل‌زاده ففوری
۳۵۶ - فیض‌الله گلی
۳۵۷ - حسن گودرزی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۳۵۸ - رسول گیوه‌خان
۳۵۹ - محمد جواد لاهیجانیان (حزب توده ایران)
۳۶۰ - خلیل لطف‌الله‌زاده (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۳۶۱ - سعید متین (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۳۶۲ - کیانوش مجیدی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۳۶۳ - امیر مجیدی
۳۶۴ - اصغر محبوب (حزب توده ایران)
۳۶۵ - حمزه محبوب (سازمان مجاهدین خلق)
۳۶۶ - مجتبی محسنی (سازمان فدائیان خلق ایران پیرو بیانیه ۱۶ آذر)
۳۶۷ - رضا محسن آبادی
۳۶۸ - رفعت محمدزاده - مسعود اخگر - (حزب توده ایران)
۳۶۹ - صابر محمدزاده (حزب توده ایران)
۳۷۰ - علیرضا محمدی گمیجانی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۳۷۱ - محبت‌الله محمدی (حزب توده ایران)
۳۷۲ - محمد رضا محمدی بهمن آبادی (سازمان مجاهدین خلق)
۳۷۳ - مریم محمدی بهمن آبادی (سازمان مجاهدین خلق)
۳۷۴ - محمدی زاده
۳۷۵ - محمودزاده (سازمان مجاهدین خلق)
۳۷۶ - بندهلی مرادپور (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۳۷۷ - علی مرادی (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
۳۷۸ - رضا مرادیان
۳۷۹ - بهروز مربی (سازمان مجاهدین خلق)
۳۸۰ - مصطفی مردانی (سازمان مجاهدین خلق)
۳۸۱ - کامران مریوانی (سازمان مجاهدین خلق)
۳۸۲ - محمود مشتاقیان (سازمان مجاهدین خلق)
۳۸۳ - دکتر رحیم مصطفوی (سازمان مجاهدین خلق)
۳۸۴ - مسعودی‌فر
۳۸۵ - اصغر مصفا (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۳۸۶ - مجتبی مطلع سرابی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۳۸۷ - مهرداد مطلق (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۳۸۸ - سهراب مطلق
۳۸۹ - حمید معصومی
۳۹۰ - رضا معظمی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۳۹۱ - معلم (حزب توده ایران)
۳۹۲ - هبیب‌الله معینی چافرونده‌مایون (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۳۹۳ - هبیب‌الله معینی (راه کارگر)
۳۹۴ - مسعود مقبلی (سازمان مجاهدین خلق)
۳۹۵ - سیامک ملکی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۳۹۶ - علی ملکی (اعدام شده در زندان سقز)
۳۹۷ - حمید منتظری (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۳۹۸ - عباسعلی منشی رودسری (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۳۹۹ - اصغر منوچهر آبادی (حزب توده ایران)
۴۰۰ - مجید منیری (حزب توده ایران)
۴۰۱ - اسماعیل موسایی (پیکار)
۴۰۲ - رسول موسوی
۴۰۳ - منصور موسوی (رومندگان)
۴۰۴ - کیوان مهاجر (سازمان زحمتکشان کردستان کومله)
۴۰۵ - نادر مهربان (حزب توده ایران)
۴۰۶ - میرزا محمد میرزا محمدی
۴۰۷ - کورس میرزایی
۴۰۸ - کورش میرزایی
۴۰۹ - اکبر میرزایی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۴۱۰ - اطفعلی میرساردو (سازمان مجاهدین خلق)
۴۱۱ - میرشکاری (راه کارگر)
۴۱۲ - مهرداد میرهاشمی
۴۱۳ - فرج‌الله میزانی - جوانشیر (حزب توده ایران)
۴۱۴ - حمید میکائیل (سازمان مجاهدین خلق)
۴۱۵ - منوچهر نادری (سازمان مجاهدین خلق)
۴۱۶ - امیر هوشنگ ناظمی - نیک‌آئین (حزب توده ایران)
۴۱۷ - حسن نصاری
۴۱۸ - سید محمد نظامی
۴۱۹ - مصطفی نجاری نژاد صلواتی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۴۲۰ - نظری
۴۲۱ - بیژن نعمان پور (سازمان پیکار)
۴۲۲ - موسی نعمتی (سازمان مجاهدین خلق)
۴۲۳ - حسن نوربخش (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۴۲۴ - ناصر نوروزی
۴۲۵ - اسفندیار نیک‌منش (فدائیان خلق - پیرو بیانیه ۱۶ آذر)
۴۲۶ - یدالله نوری‌فر (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۴۲۷ - توفیق وثوقی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۴۲۸ - جعفر وثوق
۴۲۹ - محمد ولید
۴۳۰ - محسن وطن خواه (حزب توده ایران)
۴۳۱ - ماسکوویه
۴۳۲ - پرویز همایونی
۴۳۳ - کاظم همدانیان (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۴۳۴ - جعفر هوشمند
۴۳۵ - محمود هوشی
۴۳۶ - منصور یاقوتی (نویسنده مردمی)
۴۳۷ - یگانگی (سازمان مجاهدین خلق)
۴۳۸ - حسام یگانه (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۴۳۹ - داریوش یوسفی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۴۴۰ - ...



سام نجوما رهبر سواپو

مختصری درباره نامیبیا:

نامیبیا در آستانه آغاز قرن بیستم توسط امپریالیستهای آلمانی که دیرتر از سایرین بر قاره سیاه چنگ انداختند، به مستعمره تبدیل شد. بدنبال فروپاشی امپراتوری آلمان در جنگ جهانی اول، "جامعه ملل" در سال ۱۹۲۰ اداره امور نامیبیا را به دولت آفریقای جنوبی سپرد. طبق مصوبه جامعه ملل، دولت آفریقای جنوبی موظف شد "رفاه مادی و پیشرفت اجتماعی" نامیبیا را تأمین کند، اما نژادپرستان، قوانین ضدبشری آپارتاید را بر نامیبیا نیز حاکم کردند. از این رو سازمان ملل در سال ۱۹۶۶، اختیارات واگذار شده به آفریقای جنوبی در مورد نامیبیا را پس گرفت و در سال ۱۹۷۳، سازمان خلق آفریقای جنوب فریبی، سواپورا بعنوان تنها نماینده قانونی خلق نامیبیا به رسمیت شناخت. در سال ۱۹۷۸، شورای امنیت سازمان ملل، قطعنامه معروف ۴۳۵ را تصویب کرد که شامل برقراری آتش‌بس، آزادی همه زندانیان سیاسی، خروج تدریجی نیروهای اشغالگر و برگزاری انتخابات تحت نظارت سازمان ملل متحد است.

رژیم پرتوریا سالها کوشید با بی‌اعتنایی به مصوبات مجامع بین‌المللی، حاکمیت استعماری خود را در نامیبیا تداوم بخشد. در سال ۱۹۸۵ نژادپرستان یک به اصطلاح "دولت موقت" بی‌اختیار را تشکیل دادند و چند وزیر سیاه‌پوست از عوامل خود را به عضویت آن گماشتند، اما هیچ کشور جهان حاضر نشد این دولت پوشالی را به رسمیت بشناسد.

نامیبیا کشور بسیار ثروتمندی است. در این کشور مهم‌ترین منابع سرب آفریقا، بزرگترین معدن اورانیوم جهان سرمایه‌داری و معادن متعدد الماس وجود دارد. نامیبیا در تولید کادمیوم در آفریقا مقام دوم را دارد. در این کشور همچنین منابع فنی مس و روی موجود است. تاکنون نژادپرستان آفریقای جنوبی سود کلان‌هایده از این منابع فنی را از آن خود کرده‌اند. بیهوده نیست که رژیم پرتوریا به ازای هر ۱۰ تن اهالی نامیبیا یک نظامی در این کشور مستقر کرده است.

کمل‌های مالی رسیده

کاتاندا	
برای کمک به خانواده زندانیان سیاسی از تورنتو	۸۰ دلار
سوئد	
به یاد جهانگیر از گوتنبرگ	۲۰۰ کرون
منیر جهت کمک به خانواده زندانیان سیاسی از مالمو	۱۵۰ کرون
درآمد حاصله از یک روز کار جمعی از هواداران در مالمو	۸۹۵ کرون
"زنده باد مبارزه مردم ایران در تحمیل قطعنامه ۵۹۸ به رژیم خمینی"	۲۳۵۰ کرون
فدائیان مالمو	۲۳۵۰ کرون
ژاپن	
مسترو اتانابه از اتحادیه کارگران ژاپن	۱۰۰۰۰۰ یین
فرشچی	۵۰۰۰۰ یین
محمد "ب"	۱۰۰۰۰ یین

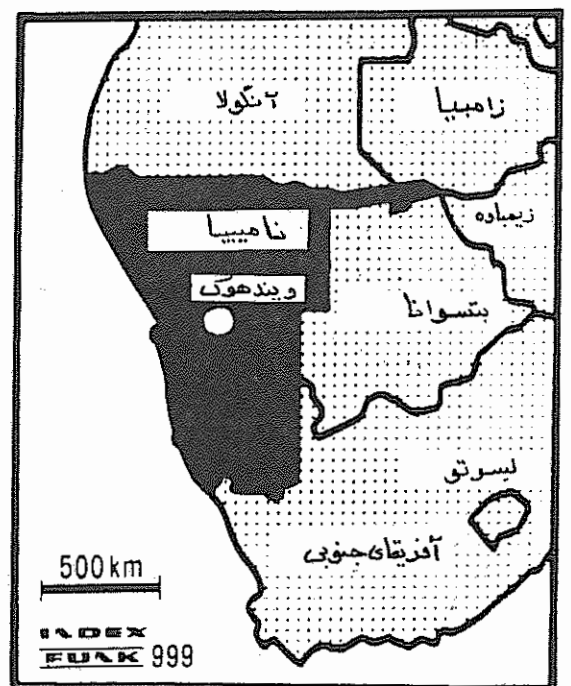
جنوب آفریقا به سوی صلح می‌رود؟

کشورش با برقراری صلح هغو عمومی اعلام خواهد نمود. وی افزود آندسته از اعضای "اونیتا" که دست از مبارزه مسلحانه بردارند، می‌توانند به کشورشان بازگردند، اما این هغو عمومی، شامل یوناس ساویمبی، رهبر اونیتا نخواهد شد. وزیر خارجه آنگولا ضمن ابراز تمایل به برقراری روابط دینامیک با ایالات متحده، تأکید کرد دولتش اجازه نخواهد داد یک قدرت خارجی به آن در مورد مسائل داخلی دستور بدهد. آمریکا برقراری رابطه با آنگولا را به انعقاد صلح دولت آنگولا با باند اونیتا منوط کرده است.

میخائیل گارباچف رهبر شوروی از انعقاد قرارداد در مورد جنوب آفریقا استقبال کرد. او پیامهای تبریکی به همین مناسبت به فیدل کاسترو رهبر کوبا، ادوارد دودوس ساتئوس رئیس‌جمهور آنگولا و سام‌نجوما رهبر سازمان خلق آفریقای جنوب فریبی (نامیبیا) فرستاد. گارباچف از کمکهای طولانی کوبا به مبارزه آنگولا برای استقلال و صلح و نیز تلاشهای شخص فیدل کاسترو برای پایان دادن به جنگ، قدردانی کرد.

طی مراسم ویژه‌ای، قرارداد حل و فصل مسائل جنوب آفریقا که خبر توافق در مورد آن را در شماره گذشته دادیم، در نیویورک به امضای وزرای خارجه آنگولا، کوبا، آفریقای جنوبی و آمریکا رسید. طبق این قرارداد، نامیبیا مستقل خواهد شد، ۵۰ هزار نظامی کوبایی آنگولا را ترک خواهند کرد و آفریقای جنوبی متعهد به عدم حمایت از شورشیان ضد دولتی اونیتا در آنگولا می‌گردد.

پس از امضای قرارداد، آلفونسو وان دونم میندا وزیر خارجه آنگولا گفت در تاریخ آفریقا صفحه جدیدی گشوده شده است. رولف بوتو وزیر خارجه آفریقای جنوبی اظهار داشت کشورش اکیدا قرارداد را که مقرر می‌دارد از خاک یک کشور امضا کننده، نباید عملیات تروریستی و تفرامیز علیه دولت دیگر انجام گیرد، رعایت خواهد کرد. وی به روزنامه نگاران گفت اگرچه کماکان به باند اونیتا "هلاکه" دارد، اما ادامه کمک به این گروه نقض قرارداد خواهد بود. وزیر خارجه آنگولا در یک کنفرانس مطبوعاتی اعلام کرد



جلوه‌هایی از حرکت‌های افشاگرانه در کشورهای مختلف:

ای جلاد مرگت باد!

زدند و با صدور قطعنامه‌ای در محکومیت کشتار زندانیان سیاسی و طرح خواسته آزادی زندانیان به این حرکت پر بازتاب پایان دادند.

به شدت به محافظت از سفارتخانه رژیم خمینی پرداخت. راهپیمایان حدود نیم ساعت نیز در برابر سفارتخانه دست به تظاهرات

بقیه از صفحه ۳

سوئد

اعتصاب فذا در شهر لولئو

در روز ۱۵ دسامبر جمعی از ایرانیان ساکن شهر لولئو برای افشای جنایات جمهوری اسلامی در محل دفتر جوانان سوسیال دموکرات، دست به اعتصاب فذا زدند که مورد حمایت، حزب کمونیست کارگری سوئد، حزب کمونیست چپ سوئد، حزب سوسیال دموکرات، کمیته آمریکای لاتین و کمیته صلح قرار گرفت. روزنامه‌های ان.اس.دی (ارگان سوسیال دموکرات‌ها در شمال سوئد)، کوریرون (ارگان لیبرال‌ها) و وی.پ.کا (ارگان حزب کمونیست چپ سوئد) و نیز رادیوی محلی با پخش چند برنامه خبر این اعتصاب فذا و خواسته‌های شرکت‌کنندگان در آنرا بازتاب دادند.

خواستنه‌های خود را چنین بیان کرده بودند: پایان دادن به سکوت دیپلماتیک دولت سوئد در مقابل فاجعه کشتار زندانیان سیاسی ایران، محکوم کردن رژیم جمهوری اسلامی توسط پارلمان سوئد، بازدید مجامع بین‌المللی زیربط از زندانهای سیاسی ایران، پخش خبر فاجعه قتل عام زندانیان سیاسی ایران از رسانه‌های گروهی.

اعتصاب کنندگان در روز ۱۷ دسامبر با شرکت در یک تظاهرات ایستاده در مرکز شهر لولئو به اعتصاب فذا خود پایان دادند.

در روز ۱۵ دسامبر جمعی از ایرانیان ساکن شهر لولئو برای افشای جنایات جمهوری اسلامی در محل دفتر جوانان سوسیال دموکرات، دست به اعتصاب فذا زدند که مورد حمایت، حزب کمونیست کارگری سوئد، حزب کمونیست چپ سوئد، حزب سوسیال دموکرات، کمیته آمریکای لاتین و کمیته صلح قرار گرفت. روزنامه‌های ان.اس.دی (ارگان سوسیال دموکرات‌ها در شمال سوئد)، کوریرون (ارگان لیبرال‌ها) و وی.پ.کا (ارگان حزب کمونیست چپ سوئد) و نیز رادیوی محلی با پخش چند برنامه خبر این اعتصاب فذا و خواسته‌های شرکت‌کنندگان در آنرا بازتاب دادند.



همبستگی با زندانیان سیاسی ایران. عکسی از محل اعتصاب فذا ایرانیان به ابتکار "جمعیت همبستگی با زندانیان سیاسی" در وین. این اعتصاب فذا که خبر آن در شماره قبلی نشریه درج شد، بازتاب وسیعی در مطبوعات اتریش یافت. برخی رادیوهای فارسی زبان نیز خبر این حرکت افشاگری را انعکاس دادند.

هندوستان

تظاهرات کمونیست‌های هندی در برابر سفارت رژیم خمینی

منظور مسیر را مسدود کرد، اما تظاهر کنندگان صف پلیس را در هم شکستند و در مقابل سفارت اجتماع کردند. در اینجا ابتدا رفیق جوگیندر شرما دبیر حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست)

سخنرانی مفصلی ایراد کرد و در آن مجموعه‌ای از جنایتکاری‌های رژیم خمینی را بر شمرد. سخنران بعدی رفیق ام.ام. گوپ دبیر حزب کمونیست هندوستان بود که ضمن تاکید بر سخنان رفیق جوگیندر شرما از تظاهر کنندگان خواست در هر جایی که می‌روند و با

در روز جمعه ۹ دسامبر به دعوت حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست) و حزب کمونیست هندوستان در شهر دهلی نو در اعتراض به کشتار جمعی در زندانهای رژیم جمهوری اسلامی تظاهراتی صورت گرفت که بالغ بر ۴۰۰ تن در آن شرکت داشتند. تظاهر کنندگان "هندی هوس" دهلی نو اجتماع کرده و سپس به طرف سفارت رژیم خمینی دست به راهپیمایی زدند. ابتدا پلیس در صدد بود که از اجتماع تظاهر کنندگان در مقابل سفارت جلوگیری کند. به همین



اعتصاب فذا در شهر لولئو سوئد. عکس از روزنامه ان.اس.دی

دانمارک

مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی!

حدود ۱۰۰ نفر بودند شعار می‌دادند: "زندانی سیاسی، آزاد باید گردد" و "مرگ بر جمهوری اسلامی". هنگامی که راهپیمایان به مقصد راهپیمایی رسیدند پلیس

در روز ۱۶ دسامبر جمعی از ایرانیان از مرکز شهر کپنهاگ با مشعل به سوی سفارتخانه جمهوری اسلامی دست به راهپیمایی زدند. راهپیمایان که

تظاهرات کمونیست‌های هندی در دهلی‌نو در محکومیت رژیم خمینی بازتاب وسیعی در مطبوعات هندوستان یافت. بویژه روزنامه‌های پتریت، هندو، هندوستان، تایمز و استیتس‌من با تفصیل عکس و خبر این تظاهرات را درج کردند. عکس‌بالا از روزنامه پتریت (شماره ۱۵ دسامبر) برگرفته شده است. در عکس این شعارها مشاهده می‌شوند: مرگ بر رژیم آدمکش خمینی، همبستگی با کمونیست‌های ایرانی، همهزندانان سیاسی آزادبادگردند.

جلوه‌هایی از...

آلمان فدرال

اعتصاب غذا در شهر گوتینگن

بقیه از صفحه قبل

مارولد و رادیوهای بی بی سی و ال بی سی خبر این اعتصاب غذا را بازتاب دادند.

احزاب، سازمان‌ها و شخصیت‌های زیر از اعتصاب غذا حمایت کردند:

۱- ۲۸ تن از اعضای حزب کارگر، آنها ضمن اعلام حمایت از اعتصاب غذا قطعنامه‌ای مبنی بر محکومیت رژیم خمینی به پارلمان بریتانیا ارائه کردند.

۲- حزب کمونیست بریتانیای کبیر،

۳- حزب کمونیست بریتانیا،

۴- کمیته هماهنگی شوراهای صنفی سراسری لندن و صومه،

۵- اتحادیه کارکنان سینما و تلویزیون،

۶- اتحادیه کارکنان بخش‌های تولیدی، علمی و مالی،

۷- اتحادیه کارکنان بخش دولتی - شعبه ایسلینگتون،

۸- مجمع ملی زنان،

۹- شورای صنفی محلی ایسلینگتون،

۱۰- راجر هاریس عضو شورای محلی هرینگی،

۱۱- انجمن دانشجویان کرد در اروپا،

برلین غربی

اعتصاب غذای

یک هنرمند متعدد

سیروس ملکوئی، گیتاریست و آهنگساز ایرانی در اعتراض به کشتار زندانیان سیاسی، از روز ۵ دسامبر دست به یک اعتصاب غذا زد که یک هفته ادامه یافت. او در فراخوانی که انتشار داد به روابط آلمان فدرال و جمهوری اسلامی اعتراض کرده و سپس تاکید نمود: «اعتراض من بیش از آنکه بر این دولتمردان باشد، بر سکوت آزاداندیشان است. بر خاموش بودن خود ما، ویرانس و هادت بر این سوگواری ممتد است. انتظار من، انتظار نهفته در وجود تک تک شماست، همانا بیداری ما، همرنگی و آوای دلنشین فریاد اعتراض ماست.» حرکت پر احساس و برخاسته از تعهد همیق سیروس ملکوئی مورد پشتیبانی هنرمندانی چون اسماعیل خوئی و گروه هنری نوشین قرار گرفت.

روزنامه محلی گوتینگن (آلمان فدرال) در شماره ۱۱ و ۱۰ دسامبر خود به تفصیل خبر اعتصاب غذای ایرانیان در این شهر را بازتاب داد و ضمن درج خبر اعتصاب غذا، شمه‌ای از جنایات رژیم خمینی را برشمرد. این اعتصاب غذا که در روز ۲۹ نوامبر آغاز شد هشت روز ادامه یافت و مورد پشتیبانی شعب احزاب سوسیال دموکرات و سبزها و سندیکای سرتاسری آلمان قرار گرفت و خبر آن از چند شبکه رادیویی پخش شد.

اعتصاب غذای فدائیان خلق در شهر کلن

در اعتراض به کشتارهای اخیر در سیامچال‌های جمهوری اسلامی، اعتصاب غذای چهار روزه‌ای در شهر کلن آلمان فدرال به دعوت فدائیان خلق ایران (اکثریت) - کلن برگزار شد. خبر این حرکت اعتراضی که در روز ۱۹ دسامبر آغاز شد از طریق ارسال نامه‌های جداگانه به اطلاع هلموت کهل صدراعظم آلمان، گنشر وزیر امور خارجه و نمایندگان مجلس آلمان فدرال رسید و مردم آلمان از طریق اخبار صبحگاهی رادیوی ایالت وست‌فالن و

تظاهرات در هاننور

در روز ۳۰ نوامبر در شهر هاننور به دعوت کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران (کارگاه هاننور) ایرانیان آزادیخواه و مبارز مقیم شهر هاننور در برابر مجلس ایالتی ایالت نیدرزاکسن دست به یک تظاهرات پر شور زدند. کمیته دفاع از زندانیان سیاسی نامه تنظیم شده‌ای در مورد جنایات رژیم خمینی را در جریان

نورنبرگ: نامه‌های اعتراضی

اشمیت و اگون لوتز نمایندگان پارلمان آلمان (سوسیال دموکرات) و همچنین نماینده دیگر هانس گونتر شرام (از حزب سبزها)، و دو نماینده شورای شهر هربرت اشتیف فاطر از حزب کمونیست آلمان و ریشارد وورفل

فدائیان خلق با تماس‌گیری وسیع با عده‌ای از شخصیت‌های آزادی‌خواه و بشردوست در شهر نورنبرگ آنها را در جریان فاجعه عظیمی که در ایران صورت گرفته قرار دادند. عده کثیری از شخصیت‌های این شهر از جمله رنانه



شرکت کنندگان در اعتصاب غذا در قطعنامه پایانی حرکت اعتراضی خود اعلام کردند که خواستار آزادی بلادرنگ و بی‌قید و شرط باقی‌مانده زندانیان سیاسی و محکومیت اقدام تبهکارانه رژیم خمینی در مجامع بین‌المللی هستند. در این قطعنامه از شخصیت‌ها، محافل و مجامع بین‌المللی درخواست شد که تمام امکانات خود را برای جلوگیری از گستاخی‌های جمهوری اسلامی علیه بشریت بکار گیرند و در اسرع وقت هیاتی برای بازدید و بررسی زندان‌ها و گورهای جمعی به ایران اعزام کنند.

مرکز تلویزیون شمال آلمان (ان.د.ار) گرد آمدند و در حالی که پلاکاردهای متعددی را حمل می‌کردند، خواهان گفتگو با مسئولین تلویزیون ان.د.ار شدند. آنها در گفتگو با نماینده ان.د.ار خواهان بازتاب یافتن خبر جنایت رژیم خمینی در شبکه تلویزیونی منطقه و دیگر رسانه‌های گروهی آلمان فدرال شدند. دو روزنامه مهم ایالتی اقدام به درج این آکسیون افشاگر کردند.

از حزب سوسیال دموکرات، یک نامه اعتراضی را امضا کرده و برای سفارت رژیم جمهوری اسلامی ارسال کردند. خبر این نامه اعتراضی در روزنامه محلی نورنبرگ بازتاب یافت.

ائتلاف مجدد لیکود و حزب کارگر اسرائیل

وزیر عضو لیکود خواهد رسید.
در دولت جدید، سه یا چهار حزب کوچک مذهبی و دست راستی نیز شرکت خواهند کرد. به این ترتیب دولت جدید در پارلمان ۱۲۰ نفری اسرائیل از حمایت ۹۵ نماینده برخوردار خواهد بود.

همزمان با تشکیل دولت جدید، در اسرائیل بحث دامنه داری در مورد مذاکره یا عدم مذاکره با سازمان آزادیبخش فلسطین بدنبال آغاز گفتگوی آمریکا با ساف، در گرفته است. در حالیکه ائتلاف جدید رسماً هر گونه مذاکره با ساف را رد می‌کند، برخی سیاستمداران حزب کارگر اسرائیل، از جمله ارزوایزمن و مردخای گور که هر دو در کابینه عضویت دارند، خواهان گفتگو با ساف شده‌اند.

سقوط هواپیمای پان آمریکن

مقصد نیویورک مسافرت می‌کردند و در لندن توقف داشتند، بارگیری کرده بود.
در لندن، گروهی بنام "پاسداران انقلاب اسلامی" با تلفن به دفتر خبرگزاری آسوشیتدپرس مسئولیت بمب‌گذاری در هواپیمای آمریکایی را به عهده گرفت و ادعا کرد که این کار را در پاسخ به حمله آمریکا به هواپیمای مسافربری ایران در خلیج فارس انجام داده است. موسوی نخست‌وزیر جمهوری اسلامی در روز پنجشنبه دخالت رژیم در سقوط هواپیمای پان آمریکن را تکذیب کرد.
همزمان با سقوط هواپیما، دولت آمریکا تبلیغات گسترده‌ای علیه لیبی به بهانه احداث آذوقه‌ای یک کارخانه سلاح‌های شیمیایی در این کشور به راه انداخت. ریگان رئیس‌جمهور ایالات متحده احتمال حمله مجدد نظامی به لیبی را منتفی دانست. ناظران خطر حمله آمریکا به لیبی را در شرایط ایجاد شده پس از ماجرای سقوط هواپیما، کم نمی‌دانند. برخی رسانه‌های غربی اخباری مبنی بر اینکه گویا گروه‌های فلسطینی مورد حمایت لیبی در حادثه دست داشته‌اند، پخش می‌کنند.

۵۲ روز پس از انتخابات پارلمان اسرائیل، بالاخره دو حزب همدم این کشور، لیکود و حزب کارگر، برای تجدید ائتلاف دولتی به توافق رسیدند. نخست قرار بود حزب لیکود به رهبری اسحاق شامیر نخست‌وزیر، با احزاب راست افراطی و مذهبی ائتلاف کند. اما در هفته‌های اخیر پس از طی فراز و نشیبی، لیکود و حزب کارگر تصمیم به ائتلاف مجدد گرفتند. پس از انتخابات ۱۹۸۴ نیز این دو حزب ائتلاف کردند. طبق توافق آنها، از ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۶ شیمون پرز رهبر حزب کارگر و از ۱۹۸۶ تا انتخابات اخیر اسحاق شامیر رهبر لیکود، نخست‌وزیری را بر عهده داشتند. اما این بار، پست نخست‌وزیر برای تمام دوره چهار سال آینده به شامیر تعلق خواهد داشت. همچنین وزارت خارجه نیز که تاکنون بر عهده شیمون پرز بود، به موشه آرنز

یک هواپیمای مسافربری شرکت هواپیمایی "پان آمریکن" که از لندن به مقصد نیویورک در پرواز بود، شامگاه چهارشنبه ۲۱ دسامبر در اسکاتلند سقوط کرد و همه ۲۵۸ سرنشین آن کشته شدند. همچنین به هلت سقوط هواپیما بر روی یک پمپ بنزین در شهر کوچک لاکربی، رقم کشته‌شدگان همین حادثه به ۲۷۳ تن رسید. بلافاصله پس از این سانحه، کارشناسان اظهار عقیده کردند که پخش شدن قطعات هواپیما با فاصله زیادی از محل سقوط، نشانگر انفجار هواپیما پیش از رسیدن به زمین است که احتمالاً بر بمب‌گذاری در هواپیما دلالت می‌کند.

پس از سقوط جمهوری پان آمریکن، گزارشی منتشر شد که به موجب آن، در روز ۵ دسامبر سفارت آمریکا در فتلاند تلفنی از شخص ناشناسی اطلاع یافت که ظرف دو هفته آتی، در یک هواپیمای پان آمریکن در مسیر فرانکفورت نیویورک بمب‌گذاری خواهد شد. هواپیمای سقوط کرده، در لندن چمدان‌های بخشی از مسافری را نیز که از فرانکفورت به

بهبود روابط چین و هند

برای نخستین بار پس از ۳۴ سال، یک نخست‌وزیر هند از چین دیدار کرد. راجیو گاندی نخست‌وزیر هند در سفر هفته گذشته خود به پکن، ضمن مذاکره با ژائو یانگ دبیر کل حزب کمونیست، لی پینگ نخست‌وزیر و تنگ شیائوپینگ رئیس کمیسیون نظامی چین، سه موافقتنامه پیرامون بهبود روابط دو کشور را امضا کرد. این موافقتنامه‌ها مربوط به آغاز رفت و آمد هوایی بین دو کشور، همکاری علمی و فنی و یک برنامه سه ساله مبادله فرهنگی خواهد بود.
یک سخنگوی وزارت خارجه چین، دیدار گاندی را آغاز دوره‌ای جدید در روابط دو کشور نامید. وی گفت دو کشور بطور "صادقانه و همیق" در مورد اختلاف مرزی خود گفتگو کرده‌اند و توافق نموده‌اند که گروه کار مشترکی برای بررسی این مسئله تشکیل دهند. دو طرف موافقت کرده‌اند اختلافات خود را از طریق مسالمت آمیز حل کنند.

از میان سایر رویدادها

- پلنوم کمیته مرکزی حزب متحد کارگران لهستان در ورشو تشکیل شد. تظاهرات مصوب پلنوم، شامل حفظ اصول حاکم بر سیاستهای اقتصادی و اجتماعی، جدایی موثر حزب و دولت و گفتگوی مثبت و سازنده با کلیسای کاتولیک، است. تظاهرات پلنوم برای اظهار نظر کل حزب منتشر شد و پلنوم ادامه کار خود را به نیمه ثانویه موکول کرد.
- پانزدهمین کنگره حزب کمونیست کلمبیا در بوگووتا برگزار شد. گیلبرت توویه ایرا، دبیر کل حزب اعلام کرد هلیزفم اقدامات تروریستی فاشیست‌ها شمار اعضای حزب تنها در یک سال گذشته ۳۰ درصد افزایش یافته است.
- اتحادیه کارگری "کوت" در شیلی اعلام کرد در سال ۱۹۸۹ مبارزه برای دستیابی به حقوق صنفی زحمتکشان را شدت خواهد بخشید. عکس، صحنه‌ای از تظاهرات اتحادیه‌های کارگری در سانتیاگو پایتخت شیلی را نشان می‌دهد.



- معدنچیان پرو موفق شدند بدنال یک اعتصاب دو ماهه با شرکت ۸۵ هزار نفر دولت پرو را به قبول اصل قراردادهای جمعی و لازم الاجرا در سراسر کشور وادارند.

انتخابات ریاست جمهوری در سری لانکا

سری لانکا اعلام کرد علیه نتایج اعلام شده انتخابات، به دادگاه مراجعه خواهد کرد. خانم باندرا نایکه انجام انتخابات در شرایط اعلام وضعیت فوق العاده و ایجاد جو ارباب توسط گروه‌های افراطی را دلیل دیگری بر بطلان آن دانست. پرماداسا ۵۰/۴۳ درصد آرا و باندرا نایکه ۴۴/۹ درصد آرا را به دست آورده‌اند.

در جریان انتخابات سری لانکا که خونین ترین مبارزه انتخاباتی تاریخ این کشور بود، نزدیک به ۲۰۰ نفر تنها ظرف هفته‌های اخیر به قتل رسیدند.

انتخابات ریاست جمهوری در سری لانکا به پیروزی راناسینگ پرماداسا نخست‌وزیر و رهبر حزب دست راستی حاکم انجامید. در برخی حوزه‌های رای‌گیری، انتخابات برگزار نشد. پرماداسا تنها با کسب ۲۱۸۱۰ رای بیش از حدنصاب لازم برای کسب اکثریت مطلق، بعنوان برنده انتخابات اعلام شد. این امر با قانون انتخابات مفایرت دارد زیرا شمار آرای حوزه‌هایی که در آن به هلت اقدامات تروریستی، انتخابات به تعویق افتاد، بیش از اختلاف آرای پرماداسا با میزان اکثریت مطلق است. از این رو، خانم سیریماوو باندرا نایکه رئیس‌جمهور پیشین و کاندید "حزب آزادی

تفال شب یلدا

تا ز میخانه و می نام و نشان خواهد بود
سر ما خالک در پیر مغان خواهد بود!
حلقه پیر مغانم ز ازل در گوش است -
برهمانیم که بودیم و همان خواهد بود!
بر سر تربت ما چون گذری، همت خواه
که زیارتگر رندان جهان خواهد بود!

عیب مستان مکن ای خواجه، کز این کهنه رباط
کس ندانست که رحلت به چه سان خواهد بود.
برو ای زاهد خودبین! که ز چشم من و تو
راز این پرده نهان است و نهان خواهد بود.

ترک عاشق کش من مست برون رفت امروز! -
تا دگر خون که از دیده روان خواهد بود!

چشم، آن شب که زشوق تو نهم سر به لحد،
تا دم صبح قیامت نگران خواهد بود!

بخت حافظ، گر از این دست مدد خواهد کرد،
زلف معسوفه به دست دگران خواهد بود!

فهرستی از اسامی ده هاتن از شهیدان کشتار اخیر به همراه اطلاعاتی که در زیر می خوانید، در ماه گذشته در تهران پخش گردید. از آنجا که آن

اطلاعیه کانون حمایت از زندانیان سیاسی ایران (داخل کشور)

لیست اسامی برخی از اعدام شدگان اخیر در تهران

هم میهنان مبارز!

رژیم جمهوری اسلامی در زندان ها حمام خون براه انداخته است. موج نوین اعدام ها که بویژه از تیر ماه سال جاری آغاز گردیده با شدت بیسابقه ای ادامه دارد. رژیم ضد مردمی و وحشت زده از بحران فزاینده و همه جانبه برای مقابله با هر گونه اعتراض بحق و جهت سرکوب هر ندای آزادیخواهی و عدالتخواهانه و به منظور سرپوش گذاری بر تضادهای درونی دست به اعدام بهترین فرزندان خلق زده است. رژیم ددمش با آگاهی از رشد روز افزون نارضایتی و نتیجتاً خشم توده ها سراسیمه و هراسان به اقدامات جنایتکارانه دست می یازد که جز برانگیختن هر چه بیشتر خشم خلق و نزدیک تر ساختن پایان همرنگین خود اثری ندارد.

اسامی زیر نام تعدادی از فرزندان قهرمان خلق ماست که توسط جلادان رژیم در زندان های تهران به دار آویخته شده اند. تعداد بیشمار دیگری از انقلابیون در بند در تهران و سایر شهرستان ها به دست خونخواران حاکم شهید شده اند که پس از اطلاع، به آگاهی شما هم میهنان خواهد رسید.

اسامی برخی از زندانیان شهید که به دار آویخته شده اند به شرح زیر است:

کانون حمایت از زندانیان سیاسی ایران (داخل کشور)
۱۳۶۷/۹/۶

تبریک سال نو میلادی

برای بشریت دستاوردهای بیشتری در ستیز با ظلمت و پلشتی به ارمغان آورد باشد که با زدایش تناهی مائی که همچنان دامن بشریت را آلوده می کند، طلایه دوران جشن سواره پدیدار شود.

در هفته آینده بخش بزرگی از مردم جهان آغاز سال نو میلادی سال ۱۹۸۹ را جشن می گیرند و با شادی و سرور به پیشواز آینده می روند. ما با شادباش به همه آنان آرزو می کنیم سالی که در پیش است

توضیح:

دی ماه، با یک هفته تاخیر در روز دوشنبه نوزدهم دی ماه (۹ ژانویه) منتشر خواهد شد.

به علت تعطیلات آغاز سال نو میلادی شماره بعدی نشریه اکثریت بجای دوشنبه دوازدهم

AKSARIYAT
NO. 239

MONDAY, 26 DEC 88

آدرس: Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

حساب بانکی:
AUSTRIA .WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701.650
DR. GERTRAUD ARTNER

یا جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!